



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښتی
پرتال جامع علوم انسانی

هابرماس در تلگرام؛ تحلیل حوزه عمومی و کنش ارتباطی در مکالمه‌های روزنامه‌نگاران ایرانی در رسانه‌های اجتماعی

حسین کرمانی* ، هادی خانیکی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۳۰

چکیده

هدف ما در این مقاله تحلیل وضعیت کنش ارتباطی و حوزه عمومی در مکالمه‌های روزنامه‌نگاران ایرانی در تلگرام است. در واقع پرسش اصلی تحقیق این است که آیا مکالمه‌های روزنامه‌نگاران به‌عنوان افرادی که عموماً مدعی تحقق جامعه مدنی شناخته می‌شوند، خود از ویژگی‌های لازم برای شکل‌گیری حوزه عمومی و همچنین تقویت کنش ارتباطی - که ناظر به تفاهم است نه منفعت شخصی - برخوردار است یا خیر؟ برای پاسخ به این پرسش ایده هابرماس درباره حوزه عمومی و کنش ارتباطی را به‌عنوان بستر نظری انتخاب کردیم. میدان تحقیق را مکالمات روزنامه‌نگاران ایرانی در گروه «پیشنهادات برای انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران» که در تلگرام تشکیل شده بود انتخاب کردیم. برای نمونه‌گیری از اولین پیام آغاز کرده و تا حصول اشباع نظری ادامه دادیم. بر این اساس، ۱۱۱۷ پیام در این گروه کدگذاری و تحلیل شد. سپس با مثلث‌بندی روش‌های مشاهده مشارکتی در گروه‌های تلگرام، تحلیل مکالمه و تحلیل گفتمان انتقادی رسانه‌های اجتماعی، مکالمه‌ها را تحلیل کردیم. ما با توجه به تفاوت‌های مکالمه در گروه‌های تلگرام و مکالمه در دنیای واقعی، ابتدا این تفاوت‌ها را شناسایی و تحلیل کرده، سپس مکالمات روزنامه‌نگاران ایرانی را تحلیل کردیم. در ادامه، یافته‌های تحقیق نشان داد که باوجود برخی نشانه‌ها دال بر کنش ارتباطی، آنچه که در این مکالمه‌ها رخ می‌دهد فاصله زیادی با شکل‌گیری یک حوزه عمومی خرد دارد. در واقع، در مکالمه‌های خصومت‌آمیز و چالشی، بسامد موارد مربوط به نقض حوزه عمومی زیاد دیده می‌شود که نشان‌دهنده ضرورت تلاش روزنامه‌نگاران ایرانی برای تقویت کنش ارتباطی و همچنین تحقق حوزه عمومی خرد در اجتماع خود دارد.

واژه‌های کلیدی: حوزه عمومی، کنش ارتباطی، هابرماس، تلگرام، رسانه‌های اجتماعی، روزنامه‌نگاری

مقدمه

نقش رسانه‌های اجتماعی در احیا یا شکل‌گیری حوزه عمومی مورد توجه محققان بسیاری در سال‌های اخیر بوده است. در واقع، رسانه‌های اجتماعی با قابلیت‌ها و ویژگی‌های خود، بستر مناسبی برای شکل‌گیری مباحثات عمومی بین افراد مختلف که در آن بستر موقعیت برابر دارند و همگان می‌توانند در آن‌ها مشارکت کنند، فراهم کرده است (Rannenber, 2016). این رسانه‌ها تعاملی، سریع، دارای روابط افقی، ساده (از نظر استفاده) و اصولاً مبتنی بر گفتگو و مباحثه هستند (Kaplan & Haenlein, 2010). چنین ویژگی‌هایی، فی‌نفسه افراد را به شرکت در گفتگوهای عمومی تشویق می‌کند. بنابراین امروزه هر کاربر در طول روز در مباحثات مختلفی درگیر می‌شود و می‌تواند آزادانه در آن‌ها شرکت کند. این امکان در رسانه‌های اجتماعی مختلف، با ابزار و شکل‌های مختلف فراهم است. به‌عنوان مثال، کاربر در توئیتر با استفاده از یک هشتگ می‌تواند وارد بحثی عمومی با دیگران شود (Papacharissi, 2014; Mottahedeh, 2015). در فیس‌بوک با عضویت در صفحه‌ها و گروه‌ها این امکان فراهم می‌آید. در تلگرام نیز، فرد با عضویت در گروه‌های مختلف می‌تواند در مباحثات مربوطه شرکت کند. این گروه‌ها، اساساً زمینه‌ای که برای شکل‌گیری حوزه عمومی لازم است را فراهم می‌آورند. به‌عنوان مثال، افراد در گروه‌ها برتری خاصی - بدون ارجاعات فرا-متنی - بر یکدیگر ندارند و همچنین می‌توانند - به‌طور بالقوه - آزادانه اظهارنظر کنند. این گروه‌ها، همچنین، در حالت کلی تحت کنترل و نظارت نیستند. حداقل، تلگرام بر این موضوع که اساساً اجازه دخالت و کنترل محتوای ردوبدل شده را نمی‌دهد تأکید دارد (کرمانی، ۱۳۹۵). این دلایل موجب شده است تا رسانه‌های اجتماعی، عمدتاً به‌عنوان بستری مناسب برای شکل‌گیری حوزه عمومی تلقی شوند. این مسئله، بنای اصلی تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد.

هدف این تحقیق پاسخ به این پرسش است که آیا گفتگوهای روزنامه‌نگاران ایرانی در تلگرام را می‌توان فضایی دانست که ویژگی‌های حوزه عمومی در آن وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش از آنجا مهم است که روزنامه‌نگاران معمولاً به‌عنوان افرادی صاحب‌نظر در نظر گرفته می‌شوند که نقش مهمی در پاسداری از ارزش‌های آزادی‌خواهانه و دموکراتیک در جامعه دارند. بنابراین، نقش آن‌ها در حفظ و شکل‌گیری جامعه مدنی در جامعه از دیگر گروه‌ها مهم‌تر است. لاجرم، این پرسش مطرح می‌شود که اگر مکالمات روزنامه‌نگاران خود ویژگی‌های گفتگوهای متمدنانه و مبتنی بر خرد و منطق را نداشته باشد، آنگاه چگونه آن‌ها خواهند توانست به گسترش و تقویت ارزش‌های دموکراتیک و مدنی در جامعه کمک کنند؟ ما در این تحقیق تلاش می‌کنیم تا با تحلیل مکالمات روزنامه‌نگاران ایرانی در تلگرام به این پرسش‌ها پاسخ داده و وضعیت این گفتگوها را تحلیل کنیم. بدین منظور، گفتگوهای شکل‌گرفته در گروه «پیشنهادات برای انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران» که در شهریور ۱۳۹۵ در تلگرام توسط روزنامه‌نگاران ایجاد شد را به‌عنوان نمونه انتخاب می‌کنیم تا با تحلیل آن‌ها به پرسش‌های تحقیق پاسخ دهیم. مکالمات این گروه از آنجا نمونه مناسبی است که هم متمرکز و حول یک محور چالشی است و هم تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران نشریات معتبر و مطرح در آن عضو بودند. بنابراین، تحلیل مکالمات این گروه می‌تواند تصویری از شیوه مکالمه روزنامه‌نگاران در حالت کلی به دست دهد. علاوه بر این، با وجود انجام تحقیقات متعدد درباره حوزه عمومی در ایران (برای مرور این تحقیقات، ر.ک: خانیکی و دیگران، ۱۳۹۶)، تحقیقی که متمرکز بر مکالمات روزنامه‌نگاران باشد وجود ندارد. بنابراین، رفع این خلأ تحقیقاتی با توجه به نقش مهم روزنامه‌نگاران در حوزه عمومی ضروری است.

مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

بستر نظری تحقیق بر ایده حوزه عمومی و مفهوم کنش ارتباطی که توسط یورگن هابرماس ارائه شده، استوار است. حوزه عمومی، آن‌گونه که هابرماس آن را مفصل‌بندی کرده، فضایی گفتمانی است که اعضای یک اجتماع می‌توانند در آن مسائل مهم روز را به شیوه‌ای عقلانی و با دلیل و منطق به بحث بگذارند (Reed & Boyd, 2016). هابرماس ایده حوزه عمومی را برای انتقاد از وضعیت و نقش رسانه‌ها در قرن بیستم وضع کرد (Bruns & Highfield, 2015). به عقیده او، رسانه‌ها در قرن بیستم به دلیل این‌که تحت کنترل شرکت‌های بزرگ قرار گرفتند و منافع مادی در آن‌ها اهمیت یافت، دست از حمایت و تلاش برای خیر عمومی کشیدند (همان) و بدین ترتیب حوزه عمومی رو به اضمحلال رفت (Iosifidis & Wheeler, 2016; Johannessen, 2013). در مورد حوزه عمومی، به‌اختصار می‌توان گفت فضایی عقلانی، داوطلبانه و باز (همه می‌توانند در مباحثات شرکت کنند) است که تحت کنترل یا نظارت هیچ نهاد یا سازمان دولتی، حکومتی، تجاری، اقتصادی، نظامی و... قرار ندارد و افراد در آن از موقعیتی برابر، بدون ترس و واهمه و بی‌آنکه منافع شخصی یا گروهی آن‌ها در نظراتشان دخیل باشد با هدف رسیدن به مفاهمه از طریق استدلال‌های منطقی و گفتگوهای مبتنی بر خرد دست به کنش ارتباطی می‌زنند (Dahlgren, 2009; Macnamara, 2008; Mahloully, 2013; Vatikiotis & Yörük, 2016). هابرماس، ریشه شکل‌گیری حوزه عمومی را در قهوه‌خانه‌ها و کافه‌های قرن‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی جستجو می‌کرد، به اعتقاد او مردم در آن زمان و از طریق مباحثات مبتنی بر خرد باعث شکل‌گیری افکار عمومی شدند اما رفته‌رفته با شکل‌گیری سرمایه‌داری و رسانه‌های بزرگ که منافع تجاری و اقتصادی داشتند، حوزه عمومی به‌تدریج تضعیف شد و از بین رفت (Jurgen Habermas, 1991). اما پیدایش و گسترش سریع و روزافزون اینترنت، امیدواری‌هایی را برای احیای حوزه عمومی در بین محققان پدید آورد.

گسترش رسانه‌های اجتماعی علاوه بر این که این امیدواری‌ها را پررنگ‌تر کرد، از طرف دیگر توجه به قابلیت‌های^۱ آنها، باعث شد تا یکی از انتقادات به ایده حوزه عمومی هابرماس بیشتر مورد توجه قرار گیرد. در واقع، این ایده که یک حوزه عمومی آرمانی و سرتاسری در جامعه وجود دارد به چالش کشیده شده و در حال حاضر از حوزه‌های عمومی خرد که با هم گاه‌گاه در رقابت هستند یاد می‌شود (Bruns & Highfield, 2015; Reed & Boyd, 2016). به‌طور مشخص، منظور ما نیز از حوزه عمومی در این تحقیق، نه یک حوزه عمومی آرمانی و سرتاسری، که حوزه عمومی‌ای خرد است.

ما در عین این که بستر نظری تحقیق را بر ایده حوزه عمومی بنا می‌کنیم، اما از مفهوم کنش ارتباطی (Habermas, 1984) نیز در تحلیل‌های خود سود خواهیم جست. در واقع، کنش ارتباطی که هابرماس آن را در کتاب نظریه کنش ارتباطی (۱۹۸۴) مطرح کرد، جزئی مهم از حوزه عمومی به شمار می‌رود. نقطه عزیمت هابرماس در بحث از کنش ارتباطی، انتقاد او به مارکس برای نادیده گرفتن کنش متقابل و ارتباطی بین انسان‌ها بود (علی‌خواه، ۱۳۷۸). به گفته هابرماس، مسئله اصلی مارکس «تقلیل کنش خودآفریننده نوع بشر به کار» بود (ریتزر، ۱۳۹۳). بنابراین، هابرماس اعتقاد داشت که مارکس تنها یک نوع کنش ابزاری را مبنای تحلیل خود قرار داده که بر تولید و کار اقتصادی مبتنی است و کنش ارتباطی که مبتنی بر مفاهیم و نمادین است در تحلیل‌های او جای ندارد. هابرماس در بحث از کنش هدف‌دار و معقول، تمایزی بین کنش ابزاری و کنش استراتژیک قائل می‌شود. کنش ابزاری به کنشگری مربوط می‌شود که به‌گونه‌ای معقولانه و حسابگرانه مناسب‌ترین وسایل را برای رسیدن به یک هدف برمی‌گزیند. این نوع کنش به‌طور مستقیم با طبیعت ارتباط می‌یابد و درک متقابل از طریق آن امکان‌پذیر نیست. کنش استراتژیک نیز به عمل دو یا چند فرد گفته می‌شود که در

تعقیب یک هدف، کنش معقولانه و هدفدارشان را هماهنگ می‌کنند (همان). در واقع، غایت این دو نوع کنش چیرگی ابزاری است. در مقابل این دو نوع کنش که متمایل به موقعیت هستند، کنش ارتباطی قرار می‌گیرد که معطوف به تفاهم است. در این نوع کنش که برخلاف کنش معقول، رابطه دوجانبه‌ای را دربر دارد، کنش افراد درگیر، نه از طریق حساسگری‌های خودخواهانه موفقیت شخصی بلکه از طریق کنش‌های تفاهم‌آمیز هماهنگ شده و افراد به‌هیچ‌روی در فکر موفقیت خود نبوده بلکه هدفشان را در شرایطی تعقیب می‌کنند که بتوانند برنامه‌های کنشی‌شان را بر مبنای تعریف‌هایی از موفقیت مشترک هماهنگ سازند (هابرماس، ۱۹۸۴). بنابراین مشخص است که راه شکل‌گیری یک حوزه عمومی، از تقویت و شکل‌گیری کنش ارتباطی می‌گذرد. در نتیجه، مهم‌ترین پرسش‌های ما در این تحقیق به‌صورت زیر ارائه می‌شود:

- ۱- مکالمه‌های روزنامه‌نگاران ایرانی در گروه «پیشنهادات برای انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران» چه ویژگی‌هایی دارد؟
- ۲- کنش‌های روزنامه‌نگاران در این گروه، تا چه اندازه با مفهوم کنش ارتباطی تطابق دارد؟

۳- آیا این مکالمات به شکل‌گیری یک حوزه عمومی خرد منجر شده است؟
در ادامه، رهیافت روش‌شناختی تحقیق را ارائه می‌کنیم. لازم به ذکر است که هرچند موضوع تحقیق صبغه‌ای در مطالعات ارتباطی در ایران دارد، اما این تحقیق از نظر روش‌شناسی بدیع و نو است. سپس، روند انجام کار را توضیح داده و در نهایت یافته‌های تحقیق را ارائه خواهیم کرد.

روش پژوهش

هرچند این تحقیق از نظر روش‌شناسی در دل سنت کیفی جای دارد و از برخی روش‌های شناخته‌شده این سنت بهره می‌برد، اما ما نوآوری‌هایی نیز در روش‌های به

کار گرفته شده انجام داده‌ایم تا به تحلیل‌ها و نتایج دقیق‌تر برسیم. ما برای گردآوری داده‌های تحقیق از روش مشاهده مشارکتی در گروه‌های تلگرامی (کرمانی، ۱۳۹۵) استفاده کرده‌ایم. همچنین برای تحلیل داده‌ها، روش‌های تحلیل مکالمه (Sacks, 1995; ten Have, 2007) و تحلیل گفتمان انتقادی رسانه‌های اجتماعی (Khosravi Nik, 2017) را مثلث‌بندی کرده‌ایم (Denzin, 2017). اتخاذ چنین سیستم روش‌شناختی‌ای ما را قادر می‌سازد تا علاوه بر در نظر گرفتن تفاوت‌های تحقیق در بستر رسانه اجتماعی‌ای مانند تلگرام، داده‌های غنی‌تر به دست آورده و همچنین تحلیل‌هایی که علاوه بر ساختار متن، نقش و رابطه مکالمات روزنامه‌نگاران با ساختارهای کلان‌تر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را ارزیابی می‌کند ارائه کنیم. بنابراین، این تحقیق از نظر نوآوری‌هایی که در حوزه روش‌شناختی دارد نیز می‌تواند مورد توجه و استفاده سایر پژوهشگران خصوصاً برای انجام تحلیل‌های متنی در رسانه‌های اجتماعی باشد.

مشاهده مشارکتی یکی از روش‌هایی است که برای درک و تحلیل پویایی‌های گروه‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Gunn & Løgstrup, 2014). ما برای گردآوری داده‌ها از این روش - نسخه مناسب شده آن برای تلگرام - استفاده کرده‌ایم. در واقع، مشاهده مشارکتی در گروه‌های تلگرام به‌عنوان یک رسانه اجتماعی تفاوت‌های اساسی با مشاهده مشارکتی در گروه‌های دنیای واقعی دارد. کرمانی (۱۳۹۵) این تفاوت‌ها را در سه مرحله ورود به میدان، حضور در میدان و پس از میدان شرح داده است. وی همچنین بر اساس کار ماک و دیگران (۲۰۰۵)، راهنمایی برای انجام این کار در پنج طبقه ظواهر، پیام‌ها و گفتگوها، نقش اعضا، فضای شخصی و ترافیک گروه ارائه داده است که مبنای کار ما برای گردآوری داده‌ها قرار می‌گیرد.

ما پس از ثبت موارد مربوط به هر یک از این دسته‌ها، از روش تحلیل مکالمه برای تحلیل آن‌ها، خصوصاً پیام‌ها و گفتگوها، استفاده می‌کنیم. تحلیل مکالمه در اینجا به‌عنوان روشی برای تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، به‌طور کامل از مشاهده مشارکتی در

گروه‌های تلگرامی قابل تمیز نیست. در واقع، ما با ثبت و تحلیل سه‌طبقه پیش‌گفته، عملاً وارد تحلیل مکالمه می‌شویم لکن از این روش برای بالا بردن دقت تحلیل‌ها و همچنین ساختارمند کردن آن‌ها استفاده می‌کنیم. تحلیل مکالمه، تنها یک روش نیست بلکه به همراه مردم‌شناسی به‌عنوان رهیافت‌های اساسی برای تحلیل واقعیت‌های اجتماعی مطرح است (Gibson & Brown, 2009). در واقع، تمرکز اصلی تحلیل مکالمه بر نحوه عمل مکالمه در جریان تعامل^۱ است (Gibson & Brown, 2009; ten Have, 2007; Toerien, 2014). به‌عبارت‌دیگر، دو محور بنیان تحلیل مکالمه را تشکیل می‌دهد: اول این‌که چگونه مکالمه در جریان تعامل عمل می‌کند (یا چگونه تعامل بر اثر مکالمه شکل می‌گیرد) و دوم این‌که چه‌کاری از این طریق صورت می‌گیرد (Toerien, 2014). بر این اساس، گیبسون و براون (۲۰۰۹) ساختاری برای تحلیل مکالمه ارائه کرده‌اند که در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- مفاهیم در تحلیل مکالمه (Gibson & Brown, 2009)

مفهوم	تعریف
ساختار رشته سخن	سازماندهی نوبت به نوبت مکالمه در تعاملات اجتماعی
ساختار موضوعی	سازماندهی موضوع‌ها در مکالمه
جفت‌های مجاور	جفت‌های کلامی در رشته‌های سخن
طبقات عضویت	سازماندهی و استفاده از طبقات و انواع گوناگون اجتماعی در حین مکالمه
رمزگان پاسخ‌دهی	استفاده از شبه جملات مانند "آها" و "اوهوم" به‌عنوان اصول سازماندهی در صحبت
سازمان مرجح	سازمان صحبت حول کنش‌های مرجح و جایگزین

به هر صورت، ما با توجه به این که تاکنون شیوه تحلیل مکالمه در گروه‌های تلگرامی معرفی نشده است، ابتدا با مبنا قرار دادن تعریف تحلیل مکالمه به عنوان «نحوه عمل مکالمه در جریان تعامل»، تفاوت‌ها و شباهت‌های تحلیل مکالمه در گروه‌های تلگرامی با مکالمه‌های دنیای واقعی را شناسایی و معرفی می‌کنیم. البته از آنجاکه این هدف اصلی مقاله نیست، صرفاً تا جایی که به اهداف مقاله مربوط می‌شود به این مسئله خواهیم پرداخت. به‌طور هم‌زمان، مکالمات روزنامه‌نگاران را نیز تحلیل خواهیم کرد تا ویژگی‌های آن‌ها مشخص شود.

در ادامه، ما از توصیف صرف ویژگی‌های مکالمات بر اساس تحلیل مکالمه فراتر خواهیم رفت چرا که ما در این مقاله به دنبال تحلیل جایگاه حوزه عمومی در مکالمات روزنامه‌نگاران هستیم و باید وارد حوزه معنا نیز شویم. بنابراین، برای رفع این خلأ از تحلیل گفتمان انتقادی رسانه‌های اجتماعی به‌طور تلفیقی با تحلیل مکالمه استفاده می‌کنیم. تحلیل مکالمه، روشی برای تحلیل متن مکالمه و پویایی‌های آن در اختیار ما قرار می‌دهد درحالی‌که تحلیل گفتمان انتقادی ما را برای شناسایی و ارزیابی روابط متن و ساختارها/گفتمان‌های بزرگ‌تر قادر می‌سازد.

مشاهده و تحلیل مکالمه، اجزای ساختاری تحلیل گفتمان انتقادی رسانه‌های اجتماعی^۱ هستند (KhosraviNik, 2017). در واقع خسروی نیک (همان) معتقد است یک رهیافت مشاهده‌گرانه ارتباطی مبتنی بر کردار بیشتر با تحلیل گفتمان در رسانه‌های اجتماعی سازگار است و اطلاعات مفیدتری به دست می‌دهد. این رهیافت اساساً از نظر رویکردش به متن، با رهیافت فرکلافی به تحلیل گفتمان تفاوت دارد. او به نقل از براتون و لی (۲۰۱۳) می‌نویسد که: نیاز است که ما به‌دقت هم متن را ببینیم و هم زندگی و عقاید کاربران را مشاهده کنیم. بر این اساس، خسروی نیک (۲۰۱۷) دو محور برای تحلیل گفتمان انتقادی رسانه‌های اجتماعی ترسیم می‌کند. به‌طورکلی می‌توان گفت

۱- که از این به بعد برای رعایت اختصار تنها با اصطلاح تحلیل گفتمان ا.رج. از آن یاد می‌کنیم.

که محور افقی به روابط درون‌متنی^۱ در دل کردارهای متنی شکل‌گرفته در رسانه‌های اجتماعی می‌پردازد و محور عمودی هم خصائص خرد تحلیل متنی و هم بستر افقی را به بستر اجتماعی-سیاسی کاربران در جامعه مربوط می‌سازد. به معنی دیگر، این محور تحلیل متنی را به گفتمان‌های سیاسی-اجتماعی که در جامعه شکل‌گرفته‌اند وصل می‌کند. بنابراین، مشخص می‌شود که تحلیل مکالمه به ما دقت و قدرت بیشتری برای تحقق محور افقی را می‌دهد و هم مشاهده مشارکتی، آن‌گونه که توضیح دادیم، و هم تحلیل گفتمان ا.رج می‌تواند درک بهتری از محور عمودی برای ما فراهم کند.

تحلیل گفتمان ا.رج یک نوع تحلیل انتقادی گفتمان است که از نظر اجتماعی خود را متعهد می‌داند، مسئله‌محور و متکی به متن است (KhosraviNik, 2017). بنابراین، می‌بینیم که این نوع تحلیل گفتمان برای انجام تحقیق حاضر مناسب‌ترین است. در واقع، تحلیل کنش ارتباطی و حوزه عمومی در مکالمه‌های روزنامه‌نگاران، با استفاده از روشی که این ویژگی‌ها را دارد (تعهد اجتماعی، مسئله محور و متکی به متن) سنخیت زیادی دارد. تحلیل گفتمان ا.رج علاوه بر این که خود رهیافتی مناسب است، دو روش دیگر که ما در این تحقیق استفاده می‌کنیم را در دل خود جای داده و بر آن‌ها استوار است. البته ما با استفاده مشخص از دو روش دیگر تلاش کرده‌ایم تا قدرت تحلیلی تحلیل گفتمان ا.رج را افزایش دهیم.

بافتار و روند اجرای تحقیق

شناخت بافتار در مطالعات کیفی و خصوصاً تحلیل گفتمان نقش مهمی دارد. چرا که معنا با توجه به بافت تاریخی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که در آن قرار دارد، تولید و مصرف می‌شود. بنابراین، در این قسمت زمینه شکل‌گیری گروه «پیشنهادات برای انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران» را مرور می‌کنیم تا با بافت تحقیق آشنا شویم.

در شهریور ۱۳۹۵، عده‌ای از روزنامه‌نگاران ایرانی که تعدادی از آن‌ها از اعضای سابق انجمن صنفی تعطیل شده روزنامه‌نگاران ایران بودند، نهاد مدنی تازه‌ای را در اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران ثبت کردند که به گفته آن‌ها می‌توانست جایگزین انجمن صنفی روزنامه‌نگاران پیشین شود (تهران، ۱۳۹۵). انجمن روزنامه‌نگاران ایران در ۴ تیر ۱۳۸۷ توسط دیوان عدالت اداری به دلیل آنچه «سست بودن پایه‌های تأسیس» عنوان شده بود، منحل شده بود (همان). پس از ثبت این انجمن، اعتراضاتی به اعضای هیئت مؤسسان انجام شد و در همین راستا تعدادی از روزنامه‌نگاران گروهی در تلگرام برای انتقاد و اعتراض به هیئت مؤسسان تشکیل دادند.^۱ اعتراض اصلی این افراد به ترکیب هیئت مؤسسان بود و خواستار اتخاذ شیوه‌ای دیگر در انتخاب این اعضا بودند. در این گروه بحث‌ها به جنجال کشیده شده و تعدادی از اعضای آن، گروه دیگری را با نام «پیشنهادات برای انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران» تشکیل دادند که میدان این تحقیق است. گروه دوم از آنجاکه پس از تنش در گروه اول ایجاد شده بود و هدفش دوری از تنش بود، مورد مناسب‌تری برای تحلیل است. این گروه در ۲۷ شهریور ۱۳۹۵ تشکیل شد. ما تحلیل‌های خود را از اولین پیام شروع کردیم و بر اساس اصل اشباع پیش رفتیم. در واقع هدف این بود که تحلیل‌ها را تا جایی ادامه دهیم که اشباع نظری حاصل شده و مقوله جدیدی ظاهر نشود (لیندلاف و تیلور، ۲۰۰۲). در نهایت ۱۱۱۷ پیام در این گروه از ساعت ۵۱ دقیقه بامداد ۲۷ شهریور تا ساعت ۱۱:۴۱ روز ۲۸ شهریور ۱۳۹۶ تحلیل شد.

برای تحلیل پیام‌ها از یک روش ابداعی برای کدگذاری استفاده کردیم. ابتدا با استفاده از کدگذاری نظری (Saldña, 2009)، مقوله‌های مورد نظر را با توجه به بستر نظری تعریف کردیم. سپس سه کدگذار به‌طور هم‌زمان پیام‌ها را کدگذاری کردند. پس‌ازاین‌که سی درصد از فهرست کدهای اولیه تغییر می‌کرد، کدگذارها فهرست را با

۱- این اطلاعات در گفتگو با تعدادی از اعضای هیئت مؤسسان و همچنین مدیران این گروه‌ها کسب شده است.

یکدیگر به بحث می‌گذاشتند تا فهرست جدید ساخته شود. در هر مرحله کدگذاری با فهرست جدید از ابتدا انجام می‌شد. در نهایت و پس از تهیه فهرست نهایی، کدگذاری از ابتدا انجام شد. کدگذاری‌ها توسط نرم‌افزار MaxQDA 12.4 انجام شد و در قسمت بعد یافته‌های مربوطه ارائه می‌شود.

یافته‌ها

یافته‌های تحقیق در این بخش با توجه به پرسش‌های تحقیق در سه قسمت ارائه می‌شود. در قسمت اول، ساختار مکالمات روزنامه‌نگاران در این گروه را معرفی و تحلیل می‌کنیم. در قسمت بعد، به ارزیابی انواع کنش در این گفتگوها پرداخته و نهایتاً در قسمت سوم، موارد مربوط به حوزه عمومی را معرفی و تحلیل خواهیم کرد. با ارائه این قسمت‌ها، به پرسش‌های تحقیق پاسخ داده و قادر خواهیم بود تا در بخش آخر تحلیل‌های خود را ارائه کنیم.

تحلیل مکالمات: اولین بخش یافته‌ها به تحلیل مکالمات گروه اختصاص دارد. همان‌طور که در قسمت روش‌شناسی توضیح دادیم، در این قسمت به‌طور هم‌زمان هم تفاوت‌های تحلیل مکالمه در گروه‌های تلگرامی را معرفی می‌کنیم و هم مکالمات گروه مورد مطالعه را تحلیل خواهیم کرد. در واقع، این مکالمات در سه دسته ساختار رشته سخن، ساختار موضوعی و رمزگان پاسخ‌دهی دچار تغییر می‌شوند که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

ساختار رشته سخن: اولین بخش در تحلیل مکالمه، ساختار رشته سخن است. این مورد در مکالمه‌های تلگرامی نسبت به مکالمه‌های دنیای واقعی به طرق مختلف تغییر می‌کند. در مکالمه‌ای که بین دو نفر در دنیای واقعی صورت می‌گیرد (آن‌گونه که محققان مکالمه را تعریف کرده‌اند)، سازماندهی نوبت به نوبت می‌تواند از استراتژی‌های خاصی پیروی کند که مورد توجه محققان است. اما در مکالمات در

گروه‌های تلگرامی که اعضای متعددی دارند دیگر نمی‌توان مانند شیوه قبلی عمل کرد. در واقع در مکالمات دنیای واقعی که به صورت چهره به چهره یا حتی با واسطه ابزارهایی مانند تلفن صورت می‌گیرد، اصولاً فرد منتظر می‌ماند تا صحبت طرف مقابل تمام شود. در صورتی که حرف طرف مقابل را قطع کند، آن طرف احتمالاً دست از صحبت کردن می‌کشد. حتی وقتی مکالمه گروهی را در نظر بگیریم، همه یا اکثر افراد به طور هم‌زمان صحبت نمی‌کنند، چرا که در این صورت با ایجاد هممه کارایی ارتباط از دست می‌رود. باین وجود، در گروه‌های تلگرامی همه افراد هم‌زمان می‌توانند متنی را ارسال کنند. چون متن‌ها نوشتاری هستند، هر کاربر دیگری در هر زمان دیگری می‌تواند به آن رجوع کرده و مکالمه را حول پیام اولیه ادامه دهد. بنابراین، ساختار رشته سخن در تلگرام آزادی بیشتری در اختیار شرکت‌کنندگان قرار می‌دهد، چرا که در مکالمه‌های دنیای واقعی باید هم‌زمان که فرد صحبت می‌کند، به حرف‌های او گوش داد، فکر کرد و پاسخ خود را آماده ساخت اما در تلگرام این امکان وجود دارد که در آینده متن را خواند و با فراغ بال به آن فکر کرد و پاسخ داد. این ویژگی باعث شده تا مکالمه در گروه‌های تلگرامی دارای پویایی بیشتری باشد. در واقع، در این گروه‌ها امکان شکل‌گیری مکالمه‌های درهم‌تنیده به وجود آمده است که در مکالمه در دنیای واقعی اساس امکان آن وجود ندارد. بنابراین، «در هم تنیدگی مکالمات» یکی از تغییرات مهم ساختار رشته سخن است که در تحلیل مکالمات در گروه‌های تلگرامی باید مورد توجه باشد. ما مثال‌های مربوط به در هم تنیدگی مکالمات را پس از معرفی ساختار موضوعی ارائه می‌کنیم. چرا که پس از معرفی موضوع مکالمات است که می‌توان این در هم تنیدگی را درک کرد.

مسئله بعدی که در مورد ساختار رشته سخن وجود دارد، به آغاز مکالمه‌ها برمی‌گردد. در واقع ما به دنبال این هستیم که مشخص کنیم چه عواملی باعث می‌شود یک پیام به مکالمه منجر شود. در حالی که هر پیام امکان دارد که به طور بالقوه نقطه

شروع یک مکالمه باشد، اما برخی عوامل هستند که احتمال این امر را بالا می‌برند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که این عوامل عبارت‌اند از:

- قدرت کاربر
- موضوع پیام
- لحن پیام
- زمان ارسال پیام

قدرت کاربر خود به چند دسته تقسیم می‌شود.

- قدرت کاربر در دنیای واقعی (وابسته به انواع نقش‌ها و سرمایه‌هایی که ممکن است داشته باشد)

- نقش کاربر در گروه
- سابقه کاربر در گروه

منظور از قدرت کاربر در دنیای واقعی، نقش‌ها و سرمایه‌هایی است که او در اختیار دارد. به‌عنوان مثال، در دو نوبت، پیام‌هایی از ماشاالله شمس‌الواعظین در گروه ارسال می‌شود که در هر دو مورد به آغاز مکالمه می‌انجامد. در اینجا نقش شمس‌الواعظین به‌عنوان یک روزنامه‌نگار با سابقه و شناخته شده، باعث می‌شود پیام‌های او، حتی وقتی خودش آن‌ها را ارسال نکرده موجب آغاز مکالمه شود. همچنین نقش کاربر در گروه نیز بر این امر مؤثر است. به‌عنوان مثال وقتی مدیر گروه پیام ارسال می‌کند، احتمال آغاز مکالمه بیشتر است. در نهایت علاوه بر نقش، سابقه کاربر در گروه نیز مطرح است. یافته‌ها نشان می‌دهد هر چه فعالیت کاربر در گروه بالاتر باشد، احتمال بیشتری دارد که پیام‌های او به مکالمه منجر شود.

بعد از قدرت کاربر، موضوع پیام نیز بر آغاز مکالمه اثر می‌گذارد. هر چه موضوع از اهمیت بیشتری برای کاربران برخوردار باشد، منطقی‌اً احتمال آغاز مکالمه بیشتر می‌شود. به‌عنوان مثال، در آن تاریخ یاشار سلطانی به دادسرای فرهنگ و رسانه احضار و

بازداشت شد^۱، بعد از این اتفاق پیامی در این گروه ارسال شد که از اعضا می‌خواست به این اتفاق واکنش نشان دهند، اما این پیام باعث شکل‌گیری مکالمه نشد. چرا که در آن زمان این موضوع از اهمیت برای کاربران برخوردار نبود. در اینجا می‌توان با شرایطی از مفهوم ارزش‌های خبری نیز بهره برد. اما علاوه بر موضوع، لحن پیام نیز مؤثر است. اگر پیام دارای لحن خنثی و بی‌طرف باشد احتمال شکل‌گیری مکالمه بر اساس آن کم می‌شود اما هر چه لحن پیام جدلی‌تر باشد این احتمال بالا می‌رود. از طرف دیگر، زمان انتشار پیام نیز در این امر مؤثر است. در اینجا زمان انتشار دو معنا دارد. اول این که زمان انتشار به معنای ساعت انتشار است. منطقی‌تر هر چه پیام در ساعات فعال شبانه‌روز منتشر شود، احتمال پاسخ دادن به آن بیشتر است. از سوی دیگر، زمان انتشار به موقع ارسال پیام در دل پیام‌های دیگر اشاره دارد. به‌عنوان مثال، پیام مربوط به یاشار سلطانی هنگامی ارسال شد، که بحث در مورد شیوه تأیید اعضای انجمن در جریان بود. احتمال دارد اگر پیام در زمانی که مکالمه خاصی در جریان نبود، ارسال می‌شد به آغاز مکالمه منجر شود.

بنابراین، در تحلیل ساختار رشته سخن در مکالمات گروه‌های تلگرامی باید این موارد را در نظر داشته باشیم. به‌طور کلی، در اینجا سازماندهی نوبت به نوبت وجود ندارد، بلکه هر کاربر ممکن است با پیش‌زمینه یا بدون پیش‌زمینه پیامی ارسال کند - عامل درهم‌تنیدگی مکالمات - که می‌تواند به‌طور بالقوه آغازگر یک مکالمه در گروه باشد. برخلاف مکالمه‌های دونفره - یا حتی گروهی - در دنیای واقعی که به‌طور منطقی تعداد افراد مشخصی می‌توانند در مکالمه شرکت کنند، در مکالمات تلگرامی این محدودیت وجود ندارد. به‌طور بالقوه همه اعضا می‌توانند در مکالمه شرکت کنند (به‌عنوان مثال تعداد اعضای این گروه در دوره مورد تحلیل بین ۴۸۳-۵۲۵ در نوسان بود). البته تلگرام امکان اضافه کردن اعضا به گروه تا ۵۰۰۰ نفر را در آن زمان فراهم

۱- برای دیدن اطلاعات بیشتر در این مورد، ر.ک: <https://goo.gl/dQQsA9>

می‌کرد که به‌طور بالقوه همه آن‌ها در صورت اضافه شدن می‌توانستند در بحث شرکت کنند که البته به فعلیت رسیدن آن امری دور از ذهن است.

از تعداد اعضای گروه نیز همگی در بحث‌ها شرکت نمی‌کنند^۱. به‌عنوان مثال تعداد اعضای مشارکت‌کننده در ۱۱۱۷ پیام مورد تحلیل، ۷۶ نفر بود. از این ۷۶ نفر، مدیر گروه^۲ به‌تنهایی ۲۰۵ پیام تولید کرده بود که نشان‌دهنده مواردی است که تا اینجا ذکر کردیم. بنابراین، هرچند در گروه‌های تلگرامی نیز به‌صورت بالقوه امکان مشارکت تعداد زیادی از افراد در مکالمه وجود دارد؛ اما عملاً این اتفاق رخ نمی‌دهد.

ساختار موضوعی: طبقه بعدی در مکالمات گروه‌های تلگرامی که دستخوش تغییر می‌شود، ساختار موضوعی است. اصولاً در مکالمات دنیای واقعی به دلیل محدود بودن مشارکت‌کنندگان، موضوعات محدود و قابل پیش‌بینی است - خصوصاً در مکالمات دوفره. اما افزایش شرکت‌کنندگان در گروه‌های تلگرامی می‌تواند منجر به شکل‌گیری مکالمه‌های مختلف شود. در این گروه، موضوع اصلی مکالمه، بحث درباره شکل‌گیری انجمن روزنامه‌نگاران استان تهران و شرایط آن است. در دل این مکالمه، مکالمه‌های مختلف شکل گرفته که هر یک می‌تواند به نوبه خود دارای زیرمکالمه‌های دیگر باشد. این مکالمه‌ها به‌طور بالقوه پایانی ندارند و هر پیام در دل یک مکالمه، می‌تواند یک مکالمه جدید یا یک زیرمکالمه ایجاد کند. البته یافته‌ها در این تحقیق نشان می‌دهد که پراکنش مکالمه‌ها زیاد نیست و موضوعات آن‌ها اصولاً به موضوع اصلی مربوط می‌شود.

مکالمه‌ها در این گروه از نظر میزان تنش، به مکالمه‌های ساده، همدلانه، چالشی، غیر چالشی و خصومت‌آمیز تقسیم می‌شود. البته ما یک دسته دیگر به نام مکالمه‌های

۱- برای دیدن انواع کاربران در گروه‌های تلگرامی به کرمانی (۱۳۹۵) رجوع کنید.

۲- اسامی اعضا، در صورتی که فرد جزو چهره‌های شناخته‌شده در فضای عمومی نباشد، برای رعایت مسائل مربوط به اخلاق تحقیق ذکر نشده است.

بالقوه داریم که تا پایان تحلیل‌های ما به مکالمه تبدیل نشده‌اند اما ممکن است در آینده با پیام یک کاربر، مکالمه‌ای حول آن‌ها آغاز شود چرا که از نظر لحن و موضوع این استعداد را دارند. مکالمه‌های ساده، عبارت‌اند از مکالماتی که معمولاً زیاد طول نمی‌کشد (حداکثر ۴ یا ۵ پیام) و موضوع آن‌ها نیز یک امر معمولی است. مانند احوالپرسی‌ها در گروه. در مکالمه همدلانه، توافقی بین اعضا بر سر موضوع وجود دارد و طول آن‌ها نیز از مکالمه‌های ساده بیشتر است. یک تفاوت دیگر بین این دو نوع نیز این است که در مکالمه ساده اساساً موضوع جدل آمیز نیست اما در مکالمه همدلانه موضوع جدل آمیز است و باین وجود اعضا بر سر آن توافق دارند. مهم‌ترین مثال در این مورد، مکالمه در مورد انجمن روزنامه‌نگاران ایران است. در مکالمه‌های غیر چالشی، اعضا بر سر موضوع لزوماً توافق ندارند اما مکالمه آن‌ها وارد چالش نیز نمی‌شود. در واقع، تفاوت این نوع با مکالمه همدلانه، میزان توافق اعضا در مورد موضوع است. در مکالمه‌های چالشی، اعضا بر سر موضوع توافق ندارند اما در فضایی به دور از توهین و تخریب به مکالمه می‌پردازند. در واقع اینجا اساساً موضوع است که چالش ایجاد می‌کند و گرنه اعضا با هم مشکلی ندارند. در نهایت مکالمات خصومت‌آمیز قرار دارد. مکالماتی که در آن اعضا بر سر موضوع توافق ندارند و در فضایی خصمانه با یکدیگر صحبت می‌کنند. معمولاً، سه نوع آخر مکالمات از نظر اندازه شبیه هم هستند.

«ماجراهای گروه قبلی» مهم‌ترین مکالمه خصومت‌آمیز در این گروه است. در واقع، آغاز مکالمات در گروه با اظهار تأسف است. «متأسفانه رفتارهای اون گروه را که دیدیم آخرش هم به حذف و توهین و این چیزا کشیده شد». اظهار تأسف از آنچه که در گروه قبلی رخ داده است. بنابراین در همان ابتدا، مدیران گروه هویت خود را در

۱- پیام‌ها عیناً نقل شده و حتی غلط‌های تایپی نیز اصلاح نشده است تا محتوا و بستر پیام به‌طور کامل نشان داده شود.

مقابل مدیران گروه قبلی تعریف می‌کنند و نشان می‌دهند این گروه در مقابل آن گروه قرار دارد. تقسیم به خود/دیگری که در اینجا صورت می‌گیرد در تمام مکالمات گروه به نحوی ادامه پیدا می‌کند و تبدیل به یکی از عناصر سازنده هویت گروه می‌شود. این مکالمه، طولانی‌ترین مکالمه گروه است و ۸۵۲ پیام به آن مربوط هستند. مکالمه بعدی که در این دسته قرار می‌گیرد، «ماجرای جلسه شرق» است. در واقع گویا یکی از اعضای هیئت مؤسس در روزنامه شرق حاضر شده و با اعضای آن دیدار کرده و همین موضوع به ایجاد مکالمه خصمانه منجر می‌شود. پیام آغازکننده این مکالمه توسط مدیر گروه ارسال می‌شود:

«آقای ... از اعضای هیات مؤسس

ماجرای جلسه روزنامه شرق چه بوده؟ گفته شده شما دیروز برای جلسه با تشکیل دهندگان "گروه نقد و بررسی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران" به روزنامه شرق رفتید. آیا فقط منتقدان در روزنامه شرق بودند؟ چرا عمومی نبوده این جلسه؟
موضوع جلسه چه بوده؟»

این مکالمه پس از ۶۹ پیام و با پاسخ فرد مورد نظر پایان می‌یابد. مکالمه‌های خصومت‌آمیز در گروه به همین دو مورد خلاصه می‌شود، اما از نظر حجم پیام‌ها این دو مکالمه در صدر طولانی‌ترین مکالمه‌های گروه قرار دارند.

دو مکالمه چالشی نیز در گروه شکل می‌گیرد. یک مکالمه در مورد اساسنامه انجمن و دیگری نیز با موضوع هیئت مؤسس. هر یک از این مکالمه‌ها، خود دارای زیر مکالمه هستند. زیرمکالمه‌های شکل‌گرفته در مکالمه درباره اساسنامه، عبارت‌اند از: درخواست انتشار و درخواست برای تغییر مفاد اساسنامه. در مورد مکالمه درباره هیئت مؤسس نیز، ترکیب هیئت مؤسس و روند انتخاب اعضا از زیرمکالمه‌های شکل‌گرفته هستند.

بحث درباره تعریف اعضای انجمن و همچنین عضویت یکی از اعضای گروه در هیئت مؤسس از مکالمه‌های غیرچالشی هستند. مکالمه اول دارای زیرمکالمه‌های با

موضوع شیوه تأیید روزنامه‌نگار بودن و تعریف روزنامه‌نگار است. در مورد دوم نیز؛ اساس موضوع، یک سوء تفاهم است که در یک مکالمه غیرچالشی حل می‌شود. در مورد مکالمه‌های همدلانه و ساده نیز در بالا مثال زدیم.

اما نکته‌ای که پیش از این هم به آن اشاره کردیم این است که در اغلب موارد این مکالمه‌ها درهم‌تنیده شده‌اند و نمی‌توان آن‌ها را در یک محور زمانی از یکدیگر جدا کرد. باین‌که مکالمه‌ها با بحث درباره‌ی اساسنامه آغاز می‌شود اما بلافاصله بحث درباره‌ی گروه قبلی شروع شده و هم‌زمان بحث درباره‌ی جلسه‌ی شرق نیز آغاز می‌شود. در ادامه نیز این مکالمه‌ها در کنار دیگر مکالمه‌ها به‌طور هم‌زمان پیش می‌رود و لزومی به این‌که در نقطه‌ای مشخص پایان‌پذیرند نیز وجود ندارد. البته مکالمه درباره‌ی جلسه شرق و همچنین عضویت یکی از افراد در گروه پایان مشخص دارند اما مکالمه‌های دیگر خیر. نمونه‌ای از در هم تنیدگی این مکالمه‌ها در رشته پیام‌های زیر مشخص است:

«مدیر گروه: دوستان مستحضر باشند سرکار خانوم مفیدی علی رغم این‌که اخیراً در غم از دست دادن والده گرامی‌شون بودند در این جمع حاضر شدند که جای تقدیر و تشکر داره. همچنین ایشون سخنگوی هیات مؤسس انجمن در شرف تأسیس و دبیر انجمن صنفی مادر (سابق که پلمپ شده) هستند. جسارتاً برای دوستانی که در جریان نیستند گفتم کاربر ۱: ممنون از بزرگواری و توجه و همت صنفی ایشون در دو دهه اخیر

مدیر گروه: درباره‌ی پیام صوتی آقای شمس هم دوستان سؤال دارند، عجله نکنید به‌زودی ماجرای سوءاستفاده از جایگاه این پیشکسوت عزیز برای همه مشخص خواهد شد.»

کاربر ۳ در پاسخ به کاربر ۴: مشارکت و سازمان مجاهدین با حکم دادگاه انقلاب

منحل شدن

بدری مفیدی: بنابراین طی یک‌روند یک‌ساله گفتگو با دوستان روزنامه‌نگار و کارشناسان و صاحب‌نظران و وساطت برخی از بزرگان عرصه روزنامه‌نگاری میان انجمن و وزارت کار. و بعد هم فشار شخص رئیس‌جمهور پس از نامه ما به روحانی به علی ربیعی مبنی بر راه‌اندازی انجمن و در واقع کوتاه اومدن وزارت کار و دادن پیام‌های مثبت و غیره ما اقدام به تأسیس انجمن استان تهران کردیم».

در این رشته پیام، مدیر گروه ابتدا در یک پیام حاشیه‌ای، خانم بدری مفیدی را معرفی می‌کند. در ادامه وی پیامی دربارهٔ پیام صوتی ارسال شده توسط ماشاالله شمس‌الواعظین ارسال می‌کند که به مکالمه دربارهٔ گروه قبلی اختصاص دارد، سپس یکی از کاربران به بحث دربارهٔ انجمن قبلی پرداخته و در پیام بعدی نیز خود خانم مفیدی، در توضیح روند شکل‌گیری هیئت مؤسس، تاریخچه‌ای از اقدامات اعضا ارائه می‌دهد. چنین پویایی‌ای در سرتاسر مکالمات دیده می‌شود.

رمزگان پاسخ‌دهی: این طبقه نیز در مکالمات گروه‌های تلگرامی، تغییر می‌کند. یافته‌های ما در این تحقیق با نتایج ارائه شده توسط کرمانی (۱۳۹۵) تطابق دارد و از آنجاکه هدف اصلی ما شناسایی این موارد نیست، از آن عبور می‌کنیم. به‌طور خلاصه، رمزگان پاسخ‌دهی در گروه‌های تلگرامی بسیار پیچیده‌تر و وسیع‌تر است. همچنین، این رمزگان تنها در حوزهٔ زبانی رخ نمی‌دهد. از مواردی که در رمزگان پاسخ‌دهی در گروه‌های تلگرامی مورد توجه است، می‌توان به امکان ارسال انواع فایل، استفاده از ابزارهای بصری (شکلک، استیکر، گیف)، ارسال لینک و همچنین امکان اجرای کردارهای متفاوت مانند پاسخ دادن و فرورارد مطالب اشاره کرد. توسعه رمزگان پاسخ‌دهی، امکان استفاده از اسناد در دل مکالمه‌ها را فراهم می‌آورد که خود به‌طور بالقوه می‌تواند به منطقی‌تر شدن بحث‌ها بیانجامد. همچنین این امکان می‌تواند باعث کمتر شدن احتمال فراموش کردن بحث‌های قبلی شود.

طبقات دیگر (جفت‌های مجاور، طبقات عضویت و سازمان مرجح) در گفتگوهای تلگرامی دچار تغییر نمی‌شوند. علاوه بر این که برخی از این موارد مانند طبقات عضویت در شیوه‌ارائه شده برای مشاهده مشارکتی (کرمانی، ۱۳۹۵) مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. بنابراین ما در اینجا به آن‌ها نمی‌پردازیم و تنها در ادامه مقاله، در صورتی که برای انجام تحلیل‌ها نیاز باشد، برخی از موارد مربوطه را شرح خواهیم داد.

کنش: حال پس از تحلیل ساختار مکالمه در گروه‌های تلگرامی به تحلیل انواع کنش در این مکالمه‌ها می‌پردازیم. در واقع در اینجا ما به دنبال این هستیم که مشخص سازیم، کنش ارتباطی چه وضعیتی در مکالمات این گروه دارد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که به‌طور عام، بسیاری از کنش‌ها در گروه را نمی‌توان جزو کنش‌های ابزاری یا استراتژیک تعریف کرد، هرچند لزوماً این به معنای ارتباطی بودن این کنش‌ها نیز نیست. دلیل این مسئله را می‌توان اولاً این دانست که کنش‌ها در اینجا در بستر زبان رخ می‌دهد، یعنی کنش‌های رفتاری نیست. همچنین، پیام‌های زیادی وجود دارد که به‌صورت حاشیه‌ای ارسال شده و لزوماً نمی‌توان آن‌ها را در یکی از این دسته‌ها قرار داد. علاوه بر این، هر پیام به‌تنهایی، ضرورتاً نوعی از کنش را شکل نمی‌دهد بلکه باید تداوم و استمرار داشته باشد تا بتوانیم آن را نوعی کنش قلمداد کنیم. نکته دیگر این است که هرچند در برخی موارد یک کاربر نشانه‌هایی از کنش ارتباطی در کردارش نشان می‌دهد اما مواردی نیز وجود دارد که همان کاربر در خلاف چنین جهتی حرکت کرده است.

باین وجود، یک نمونه مشخص از کنش ابزاری در مکالمات دیده می‌شود. در این مکالمه یک کاربر با اشاره به رد شدن درخواستش در انجمن سابق به شیوه تأیید اعضا خرده می‌گیرد. وی در این بحث مشخصاً هدفی شخصی را دنبال می‌کند. هرچند به این شکل و به‌طور مشخص کنش ابزاری یا استراتژیک دیگری وجود ندارد اما مجموعه پیام‌های مدیر گروه را می‌توان کنشی ابزاری در نظر گرفت. وی هرچند در چند مرحله

هدف گروه را مواردی عنوان می‌کند که با کنش ارتباطی تناظر دارد اما در عمل به شخصی کردن مسائل رو آورده و نمونه‌های زیادی از پیام‌هایی ارسال می‌کند که متناظر با اهداف ادعایی وی نیست. وی در ابتدا می‌نویسد: «امید به این داریم که در این گروه با رفع برخی ابهامات احتمالی، باوجود انتقاد به حضور برخی افراد در هیات مؤسس، به دور از جنجال و درگیری، پیشنهادات و انتقادات به صورتی معقول مطرح شود و مورد بررسی قرار بگیرد و در روند نهایی شدن اساسنامه و کار انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران مؤثر باشد.» وی همچنین در پیامی دیگر می‌گوید: «میثم جان من نظرمون حذف کسی یا اعمال سلیقه نیست. هر کس ازاده نظرش را بگه». علاوه بر این در یک پیام دیگر توضیح می‌دهد: «در این گروه هر یک از اعضای صنف محترم روزنامه‌نگاران صرف‌نظر از رسانه و ... حق حضور و اظهارنظر بدون اعمال سلیقه دارند». باین‌وجود در مواردی وی صراحتاً از این اصول عدول می‌کند که در قسمت نقض حوزه عمومی به آن‌ها اشاره خواهیم کرد. همین باعث می‌شود که کاربران به وی اعتراض کنند. کاربری در یک پیام می‌نویسد: «... عزیز، قربونت برم، یکی از کسانی که در این چند روز، مشغول تسویه حساب است، حضرت شما یید. من با گردانندگان اون گروه، سلام و صنمی نداشته و ندارم، اما این‌که اونجا با ادبیاتی صحبت کنی که مجبور به حذف بشی و بیای گروه دیگری راه بندازی و از هر سه پست، یکیش علیه اونها باشه، کار درستی نیست. البته اظهارنظر، پیشنهاد، راه‌اندازی گروه حتی یارکشی و میدان‌گردانی حق تو است اما اینقدر علیه دیگران نزن، چون نهایتاً پاچه خودتو می‌گیری. یا متحد بشید یا جوری باشید، انگار که گروه دیگری وجود داره.

ببخشید اینطوری صحبت کردم. من کم پیش اومده با این ادبیات بنویسم.

دلم خیلی می‌سوزه به حال خودمون.

این پیام- هرچند خود دارای مواردی از نقض حوزه

عمومی است- به یک کنش استراتژیک اشاره دارد: تقسیم به خود/دیگری. در

واقع این تقسیم‌بندی از اولین پیام و با اظهار تأسف از رفتارهای گروه قبلی شروع شده و در تمام مکالمات گروه به نحوی ادامه پیدا می‌کند و تبدیل به یکی از عناصر سازنده هویت گروه می‌شود. علاوه بر این، چنین تقسیم‌بندی‌ای که در برخی مکالمات به اوج رسیده و تنش و تخاصم ایجاد می‌کند، خود یکی از عواملی است که مانع شکل‌گیری حوزه عمومی می‌شود. این مکالمه از آنجاکه روح کلی مکالمات گروه را تشکیل می‌دهد و طولانی‌ترین مکالمه نیز هست، نقشی مهم در شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری حوزه عمومی ایفا می‌کند. اما در کنار این‌ها، مواردی از کنش ارتباطی نیز در مکالمات دیده می‌شود. پربسامدترین نشانه از کنش ارتباطی، ارسال پاسخ منطقی است. در مجموع ۱۹۲ پاسخ منطقی در گروه ارسال شده که ۱۵۳ پیام از آن‌ها توسط اعضای هیئت مؤسس فرستاده شده است. این نشانه مثبتی از حرکت به سمت پاسخگویی به‌عنوان یکی از نمودهای کنش ارتباطی است. پیام‌های دارای استدلال نیز جزو نمودهای دیگر کنش ارتباطی هستند که در مکالمات گروه دیده می‌شود. همچنین پیام‌های محترمانه و پیام‌های بدون منفعت شخصی از نمودهای دیگر این نوع کنش هستند. علاوه بر این‌ها نمونه‌هایی از پرسشگری و ارائه سند نیز در مکالمات وجود دارد که از اجزای سازنده کنش ارتباطی هستند. نمونه‌ای از ارائه سند در مکالمه درباره تعریف روزنامه‌نگار به چشم می‌خورد. جایی که یکی از کاربران بحث خود را به «تعاریف اتحادیه روزنامه‌نگاران بریتانیا از ژورنالیست» مستند می‌کند. در جایی دیگر نیز کاربران اعضای هیئت مؤسس را به پاسخگویی دعوت می‌کنند: «برخی دوستان شکایت داشتند که چرا هیچ‌کس از خبرگزاری‌ها یا سایت‌های خبری در ترکیب هیات مؤسس نیست. به همین دلیل هم این موضوع پیش آمد که نکند تعریف روزنامه‌نگار محدود به روزنامه چاپی بشه. حالا که صریح می‌فرمایید کمیته عضوگیری را هیات مؤسس مشخص می‌کند، توضیحی بدهید از نحوه چیدمان این کمیته و دستورالعمل‌های کمیته». نکته مهم در اینجا این

است که عمدتاً نمودهای کنش ارتباطی در مکالمه‌های همدلانه، چالشی و غیر چالشی بروز می‌یابد. این نکته با توجه به اهمیت و کمیت بیشتر مکالمه‌های خصومت‌آمیز در تحلیل نهایی مورد توجه ما خواهد بود.

حوزه عمومی: حال به آخرین پرسش این مقاله می‌پردازیم. ما در اینجا مواردی که ناقض حوزه عمومی است را مورد شناسایی و تحلیل قرار داده‌ایم، چرا که مواردی که بر شکل‌گیری حوزه عمومی دلالت می‌کنند را عمدتاً می‌توان در قالب کنش ارتباطی دید که در قسمت بالا به آن پرداختیم.

تحلیل مکالمه‌ها نشان می‌دهد که نمودهای زیادی از نقض حوزه عمومی در مکالمات گروه وجود دارد. این موارد عبارت‌اند از کنایه انداختن (۶۹۳ پیام)، تقسیم به خود/دیگری (۴۵۹)، ساختار مجهول (۷۴۸)، متهم کردن (۹۳)، قضاوت ذهنی (۷۶)، برچسب زدن منفی (۴۹)، تخریب شخصیت (۱)، پیش‌داوری (۶۸)، ادعای بی سند (۵۲)، تفکر دوقطبی (۱۰۶)، نفی حق اقلیت (۸)، جدل (۱۱)، شعارزدگی (۹۸)، تهدید به افشاگری (۴۵)، استفاده از زور (۱۷) و داشتن نفع شخصی در اظهارنظر (۱۷). البته ما دو نمود دیگر را هم در ابتدای کدگذاری در نظر گرفتیم (تهدید فیزیکی، توهین) که در جریان کدگذاری هیچ‌یک از آن‌ها دیده نشد لذا با توجه به هدف تحقیق آن‌ها را در فهرست کدها حفظ کردیم.

کنایه انداختن، پربسامدترین شیوه‌ای است که حوزه عمومی را نقض می‌کند. در واقع در اینجا فرستنده با زبانی کنایی و طعنه‌آمیز در مورد سوژه صحبت می‌کند و ضمن به چالش کشیدن او قدرت پاسخ‌دهی منطقی را نیز از وی سلب می‌کند. در مکالمات گروه انواع مختلف کنایه انداختن دیده می‌شود اما پربسامدترین کنایه‌ها، کنایه به گروه قبلی و مسئولان آن است. در اینجا از عملکرد و اهداف گروه قبلی که به‌عنوان دیگری گروه تعریف شده، با کنایه یادشده و مدیران آن نیز سوژه این کنایه‌ها هستند. به‌عنوان مثال، کاربری می‌نویسد: «ارادت دارم بنده. اونجا که دعوا سر عکس گروه

رسیده بود، سر کرسی ادمینی گروه.» یا در پیامی دیگر، مدیر گروه می‌نویسد: «یک مثنوی هفتاد من کاغذ را نوشتند و مدام هم تکرار می‌کنند و پاسخ‌ها را هم نمی‌خوانند (البته اگر به‌اشتباه حذف نکنند!)». دیگر انواع کنایه انداختن شامل کنایه به عده‌ای مجهول، هیئت مؤسس، خود اعضای گروه به صورت کلی، خود انجمن و فرآیند شکل‌گیری آن، سازمان یا نهادی دیگر و فرد دیگر (عضو یا غیر عضو) می‌شود. عمده کنایه انداختن‌ها نیز در مکالمه‌های خصومت‌آمیز و چالشی رخ می‌دهد. کنایه انداختن نه تنها خود ناقض حوزه عمومی است بلکه به تشدید روند غیریت‌سازی یا تقسیم به خود/دیگری در گروه می‌انجامد. در واقع، بزرگ‌ترین غیریت‌سازی، تقابل بین گروه فعلی با گروه قبلی است. این غیریت‌سازی خصوصاً در پیام‌های مدیر گروه دیده می‌شود. وی در جایی می‌نویسد: «اینجا کسی با هیئت مؤسس دعوا ندارد» به این معنی که در گروه قبلی کسانی با هیئت مؤسس دعوا داشتند (یا دارند). یا در پیامی دیگر می‌نویسد: «اینجا ما به دنبال نامه جمع‌کردن برای له و علیه کسی نیستیم». البته غیریت‌سازی صرفاً محدود به «این گروه و اون گروه» نمی‌شود. مثلاً کاربری می‌نویسد: «اعظم جان همه ما که بی‌غرض می‌خوانیم متوجه هستیم شما داری منطقی میگی»، که این معنا را ایفاد می‌کند که همه کسانی که با فرستنده مخالفند پیام را با غرض‌ورزی می‌خوانند.

استفاده از ساختار مجهول نیز از دیگر مواردی است که به نقض شکل‌گیری حوزه عمومی در این مکالمات منجر شده است. در واقع ۷۴۸ پیام از ساختار مجهول بهره برده‌اند. مهم‌ترین شیوه استفاده از ساختار مجهول نیز، استفاده از واژه «دوستان» برای اشاره به فرد یا افراد دیگری است که یا کاملاً مجهولند یا باید برای شناسایی آن‌ها، مخاطب باید اطلاعات کافی داشته باشد. البته برخی اوقات نیز این واژه با اسامی دیگری تلفیق می‌شود که منظور گوینده را مشخص‌تر می‌کند مانند «دوستان شرق» که

به مدیران گروه قبلی اشاره دارد و نکته جالب در اینجا این است که واژه دوست، عمدتاً برای افرادی که از نظر گوینده دوست محسوب نمی‌شوند بکار می‌رود. مورد بعدی که شکل‌گیری حوزه عمومی را با مشکل مواجه می‌کند، متهم کردن دیگران است. البته در اینجا متهم کردن بیشتر به اتهامات فکری و اعتقادی برمی‌گردد نه عملی و رفتاری. همچنین برخی از این اتهامات دارای دلالت‌های فرامتنی هستند. مثلاً کاربری در پاسخ به یک عضو دیگر می‌نویسد: «شما دقیقاً شبیه همون تحکیم وحدتی‌های دهه ۶۰ داری فکر می‌کنی». در ادامه این متهم کردن از افرادی نام‌برده می‌شود که در گروه نیستند و قاعدتاً امکان دفاع از خود را نیز ندارند: «ولی شما داری رسماً کار جناب طباطبائی را در جریان تحکیم می‌کنی» که البته از سوی برخی اعضا نیز مورد انتقاد قرار می‌گیرد: «... عزیز خودتان از تسویه حساب و شخصی کردن موضوعات گله کردید حالا دقیقاً همون راه رو در پیش گرفتید و از شقه شقه شدن دفتر تحکیم می‌گی و اسامی رو به کار می‌برید که اینجا نیستند و شاید هم علاقه‌ای به این نداشته باشند».

قضاوت ذهنی نیز از دیگر موارد مشاهده شده در مکالمات گروه است. به‌عنوان نمونه به این پیام که توسط مدیر گروه ارسال شده است دقت کنید: «ظاهراً دوستان گروه دیگر با ترفند و بی‌اخلاقی این کار را کردند». همچنین پیش‌داوری نیز از جمله موارد مشکل‌ساز است. در اینجا نیز مدیر گروه پیام‌هایی ارسال کرده که نشان از پیش‌داوری دارد: «احتمالاً اون گروه هدفش گرفتن سهم بوده و مذاکرات هم در همون راستا بوده؟» یا «ابتدا هیات مؤسس را تحت فشار قرار دادند و بعد با دعوت تک‌به‌تک از اعضای هیات مؤسس قصد لابی دارند». البته پیام‌های حاوی پیش‌داوری یا قضاوت ذهنی به پیام‌های مدیر گروه محدود نمی‌شود اما این پیام‌ها به دلیل اهمیت نقش مدیر گروه و همچنین بسامد آن‌ها مورد توجه بیشتری است. این مسئله در موارد دیگر نیز به چشم می‌خورد. مثلاً در شاخص نفی حق اقلیت، مدیر گروه می‌نویسد: «متأسفانه

اعضای هیات مؤسس هم به خاطر این که وظیفه پاسخگویی برای خود دارند در این دور باطل افتادند و مدام خود را در مقام پاسخگویی به اقلیتی محدود می‌دانند. شاخص دیگری که نفی حق اقلیت نزدیکی دارد، تفکر دوقطبی است. یکی از اعضا می‌نویسد: «به هر حال همکاران اینجا می‌بینند که چه کسانی به دنبال جواب دادن و رفع دغدغه‌ها هستند و چه کسانی به دنبال به انحراف کشیدن بحث‌ها». همچنین جدل بین دو نفر نیز که بر سر یک مسئله شخصی رخ می‌دهد می‌تواند مانع شکل‌گیری حوزه عمومی در مورد خیر عام شود. در یک مورد این جدل بین یکی از اعضا و مدیر گروه درمی‌گیرد که با کنایه انداختن نیز همراه است: «من روزنامه‌نگارم و یاد گرفتم بر اساس مستندات حرف بزنم. ولی به نظر شخصی شما احترام می‌زارم/ - از سر اتفاق من تاریخ خواندم که بیشتر از شما نیاز به سند دارم اگر می‌گویم بی سند نیست البته منم به نظر جنابعالی احترام می‌ذارم».

یکی دیگر از موارد نقض حوزه عمومی که مانند موارد پیش‌گفته صریح نیست، «داشتن نفع شخصی در اظهار نظر» است. یکی از موارد که به‌طور نامحسوس اتفاق می‌افتد هنگامی است که بحث درباره شفاف صحبت نکردن مدیران گروه قبلی در جریان است و عضو الف برای این که نشان دهد شفاف صحبت می‌کند پیام زیر را ارسال می‌کند: «آقا من اسمم می‌آورم.. اصلاً من خیلی خوشحال شدم که اسم ... در جمع هیئت مؤسس است. یک خبرنگار پرکار و شجاع و جوان... بالاخره یک نفر که احتمالاً سنش از ما کمتر است در کنار بزرگان باشد خیلی خوبه». در نگاه اول پیام مشکلی ندارد اما با تحلیل‌های بیشتر مشخص می‌شود که این پیام بعد از ارسال چندین پیام توسط عضو ب در حمایت از این بحث ارسال شده است. فرد مورد اشاره در پیام عضو الف نیز همسر عضو ب است. این گونه در اینجا حمایت‌های شخصی در لفافه خیر عمومی عرضه می‌شود.

ادعای بدون سند نیز از مواردی است که مانع تحقق حوزه عمومی می‌شود. در مواردی چنین ادعاهایی از سوی اعضا مطرح شده است. در اینجا خصوصاً فلسفه تشکیل انجمن و انتساب آن به جریان‌های سیاسی مورد اشاره است. به‌عنوان مثال یکی از کاربران می‌نویسد: «من این تشکل را یک انجمن صنفی نمی‌دانم چراکه بیشتر شبیه به ستاد مطبوعاتی - انتخاباتی جناب آقای روحانی برای انتخابات ۹۶ است تا یک تشکل صنفی». وی این ادعا را بدون ارائه مدرک و سندی ارائه کرده و هیچ‌کس نیز از او تقاضای سند نمی‌کند. در نهایت باید به استفاده از زور نیز اشاره کرد. در اینجا مشخصاً مدیر گروه از قدرت خویش برای اعمال نظراتش استفاده می‌کند. وی با لحن تحکم‌آمیز چندین بار دیگر اعضا را مورد خطاب قرار می‌دهد: «خانوم ... ماجرای جلسه شرق چی بوده؟» یا «این پاسخ قانع‌کننده نبود خانم ...؟». ما برای جلوگیری از اطناب از ارائه مثال‌های بیشتر خودداری می‌کنیم و در بخش بعدی به تحلیل و جمع‌بندی یافته‌ها خواهیم پرداخت.

بحث

هدف ما در این مقاله تحلیل وضعیت کنش ارتباطی و حوزه عمومی در مکالمه‌های روزنامه‌نگاران ایرانی در تلگرام بود. به این منظور با استفاده از ایده‌های هابرماس، روش‌های مشاهده مشارکتی در گروه‌های تلگرام، تحلیل مکالمه و تحلیل گفتمان ا.ر.ج را با هم مثلث‌بندی کردیم تا به پرسش‌های تحقیق پاسخ دهیم. در وهله اول، به دلیل این‌که تحلیل مکالمه در گروه‌های تلگرامی از برخی جنبه‌ها با تحلیل مکالمه در دنیای واقعی تفاوت دارد ناچار شدیم این تفاوت‌ها را شناسایی کرده و شرح دهیم. در همین حین، ساختار مکالمات در این گروه را نیز تحلیل کردیم و سپس به تحلیل انواع کنش‌ها و همچنین موانع شکل‌گیری حوزه عمومی در این گروه پرداختیم.

یافته‌های تحقیق نشان داد که مکالمه در گروه‌های تلگرامی از نظر ساختار رشته سخن، ساختار موضوعی و رمزگان پاسخ‌دهی با مکالمات دنیای واقعی متفاوت هستند. البته به دلیل این‌که تحلیل این تفاوت‌ها هدف اصلی ما در مقاله نبود، به‌طور عمیق به آن نپرداخته و تنها در حدی که برای تحلیل‌های بعدی نیاز بود این تفاوت‌ها را شناسایی کرده و شرح دادیم.

در ادامه تحلیل انواع کنش و همچنین وضعیت حوزه عمومی در مکالمه‌های روزنامه‌نگاران ایرانی نشان می‌دهد که باوجود برخی نشانه‌ها دال بر کنش ارتباطی، آنچه که در این مکالمه‌ها رخ می‌دهد فاصله زیادی با شکل‌گیری یک حوزه عمومی خرد دارد. در مکالمه‌های روزنامه‌نگاران ایرانی در این گروه موارد مثبتی از پاسخ منطقی، استدلال، برخورد محترمانه، اظهار نظر بدون نفع شخصی، خیر عمومی و برخی دیگر از شاخص‌های کنش ارتباطی وجود دارد اما باید دقت کرد که اغلب این موارد در مکالمه‌های غیر چالشی، همدلانه و ساده رخ می‌دهد. تحلیل مکالمه‌های خصومت‌آمیز و چالشی به دلیل تنش‌زا بودن بحث‌ها و نشان دادن پابندی افراد به صحبت‌ها و ادعاهای خود- فرض کنیم که بر الگوی کنش ارتباطی منطبق بوده باشد- در عمل اهمیت بیشتری دارد. «بحث درباره گروه قبلی» طولانی‌ترین و خصومت‌آمیزترین مکالمه گروه است که در آن انواع مختلفی از نقض حوزه عمومی دیده می‌شود. این اتفاق در دیگر مکالمه خصومت‌آمیز گروه یعنی «ماجرای جلسه شرق» نیز رخ می‌دهد. در این مکالمه‌ها، کنایه انداختن- خصوصاً به گروه قبلی و مدیران آن- به اوج می‌رسد و دیگر شاخص‌های بازدارنده تشکیل حوزه عمومی نیز به‌کرات تکرار می‌شود. این در حالی است که در مکالمه‌های غیر چالشی مثلاً بحث بر سر تعریف روزنامه‌نگار، شاخص‌های بازدارنده به حد پایین‌تری رسیده و شاخص‌های دال بر کنش ارتباطی بیشتر می‌شوند. علاوه بر این مدیر گروه به‌عنوان قدرتمندترین فرد گروه درحالی‌که در بحث‌های خود به‌طور نظری از حوزه عمومی و کنش ارتباطی دفاع می‌کند، اما در عمل

و خصوصاً در مکالمه‌های خصومت‌آمیز پیام‌ها متعددی که در جهت خلاف ادعاهای خودش است را عنوان می‌کند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که اعضا در مواردی که چالشی برایشان ایجاد نمی‌کند، تا حد زیادی به کنش ارتباطی نزدیک می‌شوند - خصوصاً در بحث تعریف روزنامه‌نگار و شیوه تأیید اعضا- اما هنگامی که بحث خصومت‌آمیز می‌شود، کنش ارتباطی کم‌رنگ شده و مواردی که مانع شکل‌گیری حوزه عمومی می‌شود؛ بیشتر می‌شوند. با این وجود باید دقت کرد که نقض حوزه عمومی در یک سطح مشخص باقی می‌ماند و به حالت خیلی شدید نمی‌رسد چرا که ما موردی که دال بر تهدید فیزیکی یا توهین باشد در مکالمه‌ها نیافتیم. این نیز نکته مثبتی است.

در نهایت این تحقیق نشان داد که روزنامه‌نگاران ایرانی، به‌عنوان افرادی که معمولاً به‌عنوان کسانی در نظر گرفته می‌شوند که خواهان تحقق جامعه مدنی هستند برای این که توان چنین کاری را داشته باشند، باید بیشتر روی مهارت‌های خود برای تقویت کنش ارتباطی و شکل‌دهی یک حوزه عمومی خرد در اجتماع خودشان کار کنند چرا که هنگامی که بحث‌هایشان به تنش کشیده می‌شود، از شرایط ایده‌آل حوزه عمومی فاصله می‌گیرند و بحث‌ها بیشتر شخصی، جدلی و یک‌طرفه می‌شود.

منابع

- تهران. (۱۳۹۵)، ثبت دوباره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، این بار برای تهران، دریافت شده از سایت تهران در تاریخ ۹ دی ۱۳۹۶ از آدرس: <https://goo.gl/GgmRvN>
- خانیک، هادی؛ اتابک، محمد و عزیزی، فرید. (۱۳۹۶)، تحلیل وضعیت شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران با رویکرد حوزه عمومی هابرماس (مورد مطالعه چند گروه فیس‌بوکی)، *فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، دوره ۱۸، شماره ۳۷.
- علیخواه، فردین. (۱۳۷۸)، کنش ارتباطی، بنیاد شکوفایی حوزه عمومی: اندیشه‌های یورگن هابرماس، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ش ۱۴۰-۱۳۹.
- کرمانی، حسین. (۱۳۹۵)، مشاهده مشارکتی در گروه‌های تلگرامی؛ راهنمای عمل و نمونه موردی، *فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، دوره ۱۷، شماره ۳۵.
- ریتزر، جورج. (۱۳۹۳)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، محسن ثلاثی، تهران: علمی، چاپ ششم.
- Bruns, A., & Highfield, T. (2015). Is Habermas on Twitter? Social Media and the Public Sphere. In *The Routledge Companion to Social Media and Politics* (pp. 56–73). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315716299>
- Dahlgren, P. (2009). *Media and political engagement: Citizens, communication, and democracy*. New York, NY: Cambridge University Press.
- Denzin, N. K. (2017). *Sociological Methods: A Sourcebook, 6th edition*. Routledge.
- Fuchs, C. (2014). Social Media and the Public Sphere. *tripleC*, 12(1), 57–101.
- Fulya ŞEN. (2012). The Social Media as a Public Sphere: The Rise of Social Opposition. In *International Conference on Communication, Media, Technology and Design* (pp. 490–494). Istanbul. Retrieved from <http://www.cmdconf.net/2012/Proceedings/Proceedings.pdf>
- Gibson, W., & Brown, A. (2009). *Working with Qualitative Data*. London: SAGE Publications.
- Gunn, W., & Løgstrup, L. B. (2014). Participant observation, anthropology methodology and design anthropology research inquiry. *Arts and Humanities in Higher Education*, 13(4), 428–442. <https://doi.org/10.1177/1474022214543874>

- Habermas, J. (1984). *The Theory of Communicative Action*, Volume 1: Reason and the Rationalization of Society. MIT Press (Vol. 1).
<https://doi.org/10.1086/228287>
- Habermas, J. (1991). *The Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry into a Category of Bourgeois Society*. MIT Press.
<https://doi.org/10.2307/2072652>
- Hodkinson, P. (2007). Interactive online journals and individualization. *New Media & Society*, 9(4), 625–650. <https://doi.org/10.1177/1461444807076972>
- Hopke, J. E. (2015). Hashtagging Politics: Transnational Anti-Fracking Movement Twitter Practices. *Social Media + Society*, 1–12.
<https://doi.org/10.1177/2056305115605521>
- Iosifidis, P., & Wheeler, M. (2016). *Public Spheres and Mediated Social Networks in the Western Context and Beyond*. London: Palgrave Macmillan UK. <https://doi.org/10.1057/978-1-137-41030-6>
- Johannessen, M. R. (2013). *Social media as public sphere: a stakeholder perspective*. University of Agder. <https://doi.org/10.1108/TG-01-2015-0003>
- Kaplan, A. M., & Haenlein, M. (2010). Users of the world, unite! The challenges and opportunities of Social Media. *Business Horizons*, 53(1), 59–68. <https://doi.org/10.1016/j.bushor.2009.09.003>
- KhosraviNik, M. (2017). Social media critical discourse studies (SM-CDS). In J. Flowerdew & J. Richardson (Eds.), *Routledge handbook of critical discourse studies* (pp. 582–596). London: Routledge.
- Kitzinger, C. (2000). Doing Feminist Conversation Analysis. *Feminism & Psychology*, 10(2), 163–193. <https://doi.org/10.1177/0959353500010002001>
- Kraidy, M. M., & Krikorian, M. R. (2017). The revolutionary public sphere: The case of the Arab uprisings. *Communication and the Public*, 2(2), 111–119.
<https://doi.org/10.1177/2057047317717499>
- Macnamara, J. (2008). Internet Media and the Public Sphere: The 2007 Australian E-Electioneering Experience. *Media International Australia Incorporating Culture Policy*, (129), 7. Retrieved from:
<http://search.informit.com.au/documentSummary;dn=909506313612628;res=IELHSS>
- Mahloully, D. (2013). Rethinking the Public Sphere in a Digital Environment: Similarities between the Eighteenth and the Twenty-First Centuries. *eSharp: New Horizons*, (20), 1–21. Retrieved from:
<http://www.gla.ac.uk/research/az/esharp/issues/20spring2013-newhorizons/>
- Mottahedeh, N. (2015). *#iranelection: Hashtag Solidarity and the Transformation of Online Life*. Soft Skull Press.

- Papacharissi, Z. (2004). Democracy online: civility, politeness, and the democratic potential of online political discussion groups. *New Media & Society*, 6(2), 259–283. <https://doi.org/10.1177/1461444804041444>
- Papacharissi, Z. (2014). *Affective Publics: Sentiment, Technology, and Politics*. New York, NY: Oxford University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9781107415324.004>
- Reed, L., & Boyd, D. (2016). *Who Controls the Public Sphere in an Era of Algorithms?* Questions and Assumptions.
- Sacks, H. (1995). *Lectures on Conversation*. Oxford, UK: Wiley-Blackwell. <https://doi.org/10.1002/9781444328301>
- Saldaña, J. (2009). *The coding manual for qualitative researchers*. London: SAGE.
- Stanley, J. W., & Weare, C. (2004). The Effects of Internet Use on Political Participation: Evidence From an Agency Online Discussion Forum. *Administration & Society*, 36(5), 503–527. <https://doi.org/10.1177/0095399704268503>
- ten Have, P. (2007). *Doing Conversation Analysis. A Practical Guide*. SAGE Publications Ltd. London. <https://doi.org/10.1007/s13398-014-0173-7.2>
- Toerien, M. (2014). Conversations and conversation analysis. In U. Flick (Ed.), *SAGE Handbook of Analyzing Qualitative Data*. London: SAGE Publications.
- Vatikiotis, P., & Yörük, Z. F. (2016). Gezi Movement and the Networked Public Sphere: A Comparative Analysis in Global Context. *Social Media and Society*, 2(3). <https://doi.org/10.1177/2056305116662184>
- Yang, S., Quan-Haase, A., & Rannenber, K. (2016). The changing public sphere on Twitter: Network structure, elites and topics of the #righttobeforgotten. *New Media & Society*, 146144481665140. <https://doi.org/10.1177/1461444816651409>